

# در باره مهدی

تألیف:

شیخ محمد ناصر الدین آلبنی رحمته الله

مترجم:

عبدالمتین

تهیه و تنظیم:

سایت ایمان، عقاید اهل سنت و جماعت

[www.eeman.i](http://www.eeman.i)

عنوان کتاب:	در باره مهدی
عنوان اصلی:	حول المهدي
تأليف:	شيخ محمد ناصرالدين آلبناني <small>رحمته</small>
مترجم:	عبدالمتين
تهيه و تنظيم:	سایت ایمان، عقاید اهل سنت و جماعت
موضوع:	عقاید کلام - مجموعه عقاید اسلامی - دیگر مسائل عقیدتی
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری
منبع:	



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[book@aqeedeh.com](mailto:book@aqeedeh.com)

ایمیل:

سایت های مجموعه موحدین

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[www.mowahedin.com](http://www.mowahedin.com)

[www.islamtxt.com](http://www.islamtxt.com)

[www.videofarsi.com](http://www.videofarsi.com)

[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)

[www.zekr.tv](http://www.zekr.tv)

[www.sadaislam.com](http://www.sadaislam.com)

[www.mowahed.com](http://www.mowahed.com)



[contact@mowahedin.com](mailto:contact@mowahedin.com)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فهرست مطالب

- فهرست مطالب.....أ
- استفسار مجله‌ی تمدن اسلامی..... ١
- [پاسخ شیخ آلبنانی]..... ٣
- احادیث مهدی:..... ٣
- شبهاتی پیرامون احادیث مهدی..... ٦



## استفسار مجله‌ی تمدن اسلامی

بعضی از خوانندگان آگاه به این مجله نامه‌هایی ارسال داشته‌اند، یکی از آن‌ها می‌گوید: در شماره‌های ۱۰، ۹، ۸، بحث‌های ارزشمندی را که استاد ناصر الدین آل‌بانی در مورد مهدی ضمن توضیح احادیث ضعیف و موضوع ایراد کرده بود، مطالعه نمودم؛ و ما قبلاً آنچه که استاد محمد رشید رضا در تفسیر المنار ص «۵۰۴۴۹۹۰۹» و آنچه را که استاد محمد عبدالله السمان در کتابش «الإسلام المصفی» بیان نموده بودند را معتقد بودیم و حال من یقین دارم استاد ناصر الدین آنچه را آن دو نفر نوشته‌اند می‌داند و به همین خاطر از استاد خواهش می‌کنم بار دیگر آنچه را که آن‌ها نوشته‌اند مطالعه نماید و مقاله‌ای را در مورد مهدی بنویسد؛ چون نوشته‌های آن دو مخالف آن چیزی است که استاد ناصرالدین آل‌بانی بیان داشته است.



## [پاسخ شیخ البانی]

در جواب آن می‌گوییم: بلی من آنچه را که رشید رضا رحمته و آنچه را که استاد السمان در کتابش موسوم به «الإسلام المصنفی» ذکر کرده‌اند می‌دانم و یقین دارم که آن‌ها در این مسئله اشتباه کرده‌اند بخصوص استاد السمان در این مورد فاقد علم و دانشی لازم است و به همین خاطر مسائل دیگری را که ثبوتشان از این یکی هم قطعی‌تر است را انکار کرده است؛ مثل: خروج دجال و نزول عیسی علیه السلام و شفاعت رسول الله صلی الله علیه و آله در روز قیامت.

به درستی که این سه مورد اخیر دلائل ثبوتشان قطعی است چون در تأیید آن‌ها احادیث متواتری وجود دارد. با این وصف می‌بینیم که جناب استاد السمان از انکار آن‌ها متأثر نیست. رشید رضا - رحمته - نیز پیش از او در این موارد چیزهایی گفته و احادیث دجال و نزول عیسی علیه السلام را مورد طعن قرار داده در حالیکه این احادیث صحیح و متواتراند چنانکه علماء و متخصصان در رشته حدیث چون حافظ ابن حجر و دیگران به آن تصریح کرده‌اند که اکنون مجال آن نیست. و اگر خدا بخواهد آن را به وقت دیگر موکول می‌کنم.

### احادیث مهدی:

اما در مورد مهدی باید بدانید که در برابر آن احادیث صحیح بسیاری وجود دارد که اسناد قسمت عمده آن‌ها صحیح است. هم اکنون مثال‌هایی از آن را مطرح و به دنبال آن به دفع شبهات کسانی که بر آن ایراد نموده‌اند می‌پردازم:

**حدیث اول:** حدیث ابن مسعود رضی الله عنه که مرفوع است می فرماید: «لو لم یبق من الدنیا إلا یوم لطول الله ذلک الیوم، حتی یبعث فیہ رجلاً منی أو من أهل بیتی، یواطئ اسمہ اسمی، واسم أبیه اسم أبی، یملاً الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً»<sup>۱</sup>. {اگر از عمر دنیا جز روزی نماند خداوند آن را آن اندازه طولانی می گرداند که در آن مردی از نسل من یا از نسل اهل بیت من در آن قیام کند اسمش موافق اسم من و اسم پدرش موافق اسم پدرم می باشد. زمین را پر از عدل و داد می کند همانگونه که پر از ظلم و ستم بود}.

**حدیث دوم:** از علی پسر ابوطالب رضی الله عنه بصورت مرفوع روایت شده است و برای آن دو طریق روایت موجود است، اولی را ابوداود و احمد استخراج کرده اند و سندش صحیح است و دیگری را ابن ماجه و احمد روایت کرده اند و اسنادش در مرتبه حسن قرار دارد.

**حدیث سوم:** از ابو سعید خدری به دو طریق روایت شده که اولی را ترمذی و ابن ماجه و حاکم و احمد استخراج کرده اند و ترمذی آن را حسن می داند و حاکم آن را به شرط مسلم صحیح می داند و ذهبی نیز با او موافق است و واقعیت نیز همانگونه است که فرموده اند، طریق دیگری را ابوداود و حاکم که آن را صحیح می دانند، استخراج کرده اند و سند آن حسن است.

**حدیث چهارم:** از ام سلمه رضی الله عنها روایت است که الفاظ آن و تخریجش را هنگام سخن از حدیث هشتاد از مقاله دهم از «احادیث الضعیفة» بیان

۱- رواه أبو داود (۲۰۷/۲)، و الترمذی، وأحمد، والطبرانی فی الکبیر والصغیر، وأبو نعیم فی «الحلیة»، والخطیب فی «تاریخ بغداد» من طرق عن زر بن حبیش عن ابن مسعود. وقال الترمذی: «حسن صحیح» والذهبی: «صحیح» وهو كما قالوا و له طریق آخر عند ابن ماجه (۵۱۷/۲) عن علقمة عن ابن مسعود به نحوه، وسنده حسن.



داشته‌ام. و بقیه طریق‌ها را علماء در کتاب‌های مخصوص بیان داشته‌اند. کسی که خواهان اطلاع بیشتری است باید به آن‌ها مراجعه نماید.

صدیق خان در الاذاعه<sup>۲</sup> می‌گوید: احادیث در مورد مهدی به طرق مختلف قطعاً بسیار زیاد است که آن را به حد تواتر رسانده است در سنن‌ها و مسندها و معجم‌ها موجود است و ابن خلدون سخن را در آن بسیار طولانی کرده است. چنانکه در کتاب موسوم به «العبر و دیوان مبتدأ و الخبر» به آن پرداخته است، در آنجا می‌گوید: در این باب به احادیثی استناد می‌کنند که ائمه استخراج کرده‌اند و منکرین در آن سخن گفته‌اند که با بعضی اخبار متعارض است و منکرین در آن ایرادهایی وارد کرده‌اند، هنگامی که با ایرادی روبه رو شدیم که در آن بعضی از رجال اسناد به علت غفلت یا سوء حفظ یا ضعف و بد عقیده‌ای طرد و به وسیله آن حدیث صحیح مورد طعن قرار گرفته و آن را تضعیف می‌کنند باید دانست آنچه شایسته به تبعیت است و نظر واقعی محدثین است، اینست که آنچه در مورد راویان و رجال احادیث قابل اعتبار است دو چیز است که سومی ندارد: ۱- ضبط. ۲- صدق. و آنچه را که اهل اصول معتبر می‌دانند از عدل و غیر قابل اعتنا بودن نیست و به غیر از آن دو مورد، حدیث به چیز دیگر تضعیف نمی‌شود. پس صدیق خان می‌گوید: احادیث مهدی بعضی صحیح و بعضی از آن‌ها ضعیف می‌باشند و در طول زمان جریان آن بین عموم اهل اسلام مشهور شده است. و آن اینکه حتماً در آخر زمان مردی از اهل بیت نبی ظهور می‌کند که مؤید دین خواهد بود. عدل را حاکم و مسلمانان وی را اطاعت خواهند کرد و بر تمام ممالک اسلامی تسلط خواهد یافت واسم آن مهدی است. و

۲- مثل «العرف الوردی فی أخبار المهدی» للسیوطی، و «الإذاعة لما کان وما یکون بین یدی الساعة» لصدیق خان، ونحوها.

همزمان با او خروج دجال و شرط‌های برپایی قیامت همانگونه که در صحیح آمده روی خواهد داد و عیسی بعد از آن نازل می‌شود و دجال را به قتل می‌رساند و در نماز به مهدی اقتدا می‌نماید احادیث دجال و عیسی نیز همچنین در حد تواتر می‌باشد و انکار آن جایز نیست، قاضی علامه شوکانی رحمته نیز آن را بیان داشته است چنانکه در توضیح احادیث متواتر در مورد مهدی و دجال و مسیح آورده و می‌گوید: احادیث وارده در مورد مهدی که امکان اطلاع از آن باشد به پنجاه حدیث می‌رسد که در آن احادیث صحیح، حسن و ضعیف قابل جبران موجود است و بدون شک در حد تواتر می‌باشد و هیچ شبهه‌ای در آن نیست و بر اساس تمام اصطلاحات وارده در اصول وصف تواتر بر چیزهایی که خیلی در مرتبه پایین‌تر از آن وجود دارد صادق می‌باشد. و آثار رسیده از اصحاب در مورد مهدی نیز بسیار صریح و زیادند و در مرتبه مرفوع بودن قرار دارند چون مجالی برای اجتهاد در آن‌ها نیست. پایان.

سید علامه محمد بن اسماعیل امیر یمانی احادیث قطعی در مورد خروج مهدی و اینکه از آل محمد صلی الله علیه و آله است، و در آخر زمان خروج خواهد کرد را جمع‌آوری نموده و آنگاه می‌گوید: زمان خروج او معین نشده تنها معلوم شده که قیام ایشان قبل از خروج دجال خواهد بود. انتهی.

### شبهاتی پیرامون احادیث مهدی

جناب رشید و غیر ایشان به صورت حدیث به حدیث، آنچه را که در مورد مهدی وارد شده، بررسی نکرده و از بررسی اسناد کل احادیث وارده در این زمینه هم عاجز و قادر به انجام آن نبوده‌اند که اگر این کار را می‌کردند به چیزهایی که حجت به وسیله آن تمام می‌شد دسترسی می‌یافتند حتی در امورات غیبی که بعضی گمان می‌کنند تنها به وسیله احادیث متواتر ثابت

است، از جمله مواردی که شما را به آن راهنمایی می‌کند این است که رشید رضا رحمته الله مدعی است که اسناد احادیث مهدی خالی از افراد شیعی نیست در حالی که این مسئله به طور مطلق درست نیست، احادیث چهار گانه‌ای که در این بحث آورده‌ام فردی که معروف به شیعه باشد جزء راویان آن نیست و در صورت صحت ادعا باز هم به درستی اسناد آن ایراد وارد نمی‌شود چون اعتبار در صحت حدیث، صدق و ضبط است و مخالفت مذهبی چنانکه در علم مصطلح الحدیث بیان شده شرط صحت یا عدم صحت نیست به همین خاطر مسلم و بخاری در صحیح خود از افراد بسیاری شیعه و غیر شیعه از فقه‌های مخالف روایت کرده‌اند و خودشان به احادیثی از این نوع استناد می‌کنند.

همچنین رشید رضا علت دیگری که به آن استناد می‌کند تعارض است؛ ولی این مورد نادرست است چون شرط تعارض مساوی بودن در میزان ثبوتیت و صحیح بودن است و برقرار کردن تعارض بین قوی و ضعیف از جمله چیزهایی است که هیچ عاقل منصفی آن را جایز نمی‌داند و تعارض ادعا شده از این قبیل است. من تعدادی مثال برای آن در همان مقاله سابق که ذکر شده، بیان کرده‌ام هرکس خواهان آن است می‌تواند به آن مراجعه نماید. بعضی دیگر از مردم این احادیث و احادیث مربوط به نزول عیسی را که می‌بینند، می‌گویند این‌ها باعث می‌شود که مردم دست روی دست بگذارند و خود هیچ اقدامی نکنند و این کار باعث ترک اسباب پیروزی از جانب امت می‌شود و به زعم و گمان خویش طریقه خلاص و علاج این مشکل را در انکار این حدیث یافته‌اند ولی این کار خطا است شبیه همان راه علاجی است که معتزله در مورد آیات متشابه و احادیثی که در آن معنی است بکار می‌بردند آن‌ها به زعم خویش برای تنزیه و رد تشبیه آیات را تأویل و احادیث صحیح را انکار می‌کردند اما اهل سنت و جماعت به ظاهر آیات و

احادیث وارده ایمان داشتند و از آن فهم تشبیه نداشتند و چنان فهم نمی‌کردند که لایق به ذات الله تعالی نباشد همانگونه در احادیث مهدی چیزی که در آن کوچکترین اشاره‌ای به اینکه مسلمانان قبل از خروج مهدی فاقد هرگونه نهضت و عزتی باشند را ننموده است و اگر در تعدادی از افراد جاهل مسلمان چنان فهمی قوت گرفته است راه چاره و معالجه چنان جهلی اینست که بیاموزد و بفهمد که فهمش خطا است نه اینکه ما به خاطر بد فهمی آن‌ها احادیث صحیح را رد کنیم.

از جمله شبهات مطرح شده این است که بعضی از دروغگویان و دجال‌ها از عقیده مهدویت استفاده کرده و خود را به عنوان مهدی جا زده و به واسطه آن صفوف مسلمین دچار تفرقه و اختلاف شده است. و برای آن مثال‌هایی ذکر کرده که آخر آن‌ها غلام احمد نادانی دجال هند است. در جواب می‌گوییم این شبهه از ضعیف‌ترین آن‌هاست و به نظر من آن حکایت به باطل کردن نیاز ندارد، چون آنچه مسلم است این است که خیلی از امورات حق، مورد بهره برداری کسانی قرار گرفته که اهلیت آن را ندارند؛ برای مثال بعضی افراد مدعی علم هستند ولی در واقع جاهلند؛ آیا شایسته است عاقلی به خاطر این نوع استفاده منکر علم باشد؟ بلکه در گذشته کسانی مدعی الوهیت بوده‌اند آیا طریقه ابطال این ادعای کاذب انکار الوهیت حق است؟

**مثال دیگر:** بعضی از مسلمانان امروز از عقیده قضا و قدر مفهوم مجبور بودن انسان را می‌فهمند یعنی کسی که بر او شر مقدر شده برای ارتکاب آن مجبور است و اینکه او هیچ اختیاری ندارد و حتی تعداد کمی از اهل علم نیز دچار این نگرش خطا شده‌اند و ما همراه جمهور علمائی که در صحت عقیده قضا و قدر شک نمی‌کنند، و آن را مستلزم اجبار به طور مطلق نمی‌دانند، هستیم. اما زمانیکه در صدد اصلاح این فهم خطا که به عقیده

حق چسبیده بود، بر آمدم، آیا راه آن انکار مطلق قضا و قدر است چنانکه معتزله در قدیم و کسانیکه دنباله رو ایشان در عصر حاضر هستند انجام می‌دهند؟ یا راه درست این است که چون شرعاً ثابت شده است به آن اعتراف کنیم ضمن اینکه فهم جبر از آن نشود. بدون شک راه درست که هیچ مسلمانی به تحقیق با آن مخالف نیست همین است، به همین صورت ما در صدد علاج عقیده مهدی بر می‌آییم، به همان صورت که در احادیث صحیح بیان شده به آن ایمان می‌آوریم و آنچه را که به سبب احادیث ضعیف به آن چسبیده از آن دوری می‌کنیم و با این کار بین آنچه که شرع ثابت کرده و عقل سلیم به آن معترف است جمع کرده‌ایم.

**خلاصه سخن:** عقیده خروج مهدی عقیده‌ای است که به صورت متواتر از رسول الله ﷺ ثابت است و ایمان آوردن به آن واجب است چون از جمله امورات غیب می‌باشد و ایمان به امورات غیب از جمله صفات متقین است. چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿الْم ۱﴾ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿۲﴾ [البقرة: ۱-۲]

(الم. این کتاب که هیچ شکی در آن نیست هدایتی برای متقین است، کسانیکه به غیب ایمان دارند.) در این قضیه تنها کسی که جاهل است یا با علم و به عمد انکار می‌کند در صدد ابطال و رد احادیث مهدی برمی‌آید. از خداوند متعال خواهانم ما را بر اساس ایمان به آن و به تمام آن چیزهایی که در کتاب و سنت صحیح ثابت است، بمیراند. برای ارتباط با مترجم به سایت ایمان مراجعه کنید.